

آزمون مدل علی طرحواره‌های نقش جنسیتی، آگاهی جنسی و تمایز یافتگی

فاطمه بخشی زاده^۱، سیامک سامانی*^۲، محمد خیر^۳، نادره سهرابی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل رابطه علی طرحواره‌های نقش جنسیتی، آگاهی جنسی و تمایز یافتگی بوده است. جامعه آماری این تحقیق متاهلین عادی شهر شیراز بود. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس و بر اساس تعداد مولفه‌های موجود در مدل، تعداد ۳۱۰ نفر از زوجین عادی که شامل ۱۵۵ زن و ۱۵۵ مرد متاهل که طول مدت ازدواج آنها بین ۵ - ۱۲ سال متغیر بوده و سن آنها زیر ۵۰ سال باشد، انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل سه مقیاس تمایز یافتگی خود اسکورن و همکاران، آگاهی جنسی اسنل، فیشر و میلر، طرحواره نقش جنسیتی بَم بود که روایی و پایایی ابزار مورد تایید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss و Amos در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. نتایج نشان داد که ضریب تاثیر طرحواره‌های نقش جنسیتی و آگاهی جنسی بر تمایز یافتگی معنی دار است. بدین معنی که طرحواره‌های نقش جنسیتی بر تمایز یافتگی اثر مستقیم و معنی داری و آگاهی جنسی بر تمایز یافتگی اثر معکوس و معنی دار دارد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره‌های نقش جنسیتی، آگاهی جنسی و تمایز یافتگی.

-
- ۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
 - ۲- استاد گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
 - ۳- استاد بخش روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
 - ۴- استاد یار بخش روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
- * نویسنده‌ی مسئول مقاله، samanisiamak@gmail.com

مقدمه

هیچ جامعه نمی تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده هایی سالم برخوردار نباشد و هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدید آید. پس برای داشتن جامعه ای سالم باید به سلامت نخستین واحد اجتماع یعنی سلامت خانواده اهمیت داد. استواری و استحکام خانواده به ازدواج رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد، یعنی هر گونه تزلزل و سستی در روابط زناشویی و یا عدم وجود یک ازدواج موفق علاوه بر آن که آرامش روانی زوج ها را مختل می کند، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض خطر قرار می دهد (Pourmeidani, Noori, Shafti, 2014).

امروزه عوامل گوناگونی در سطوح فرد، خانواده و جامعه به تفکیک و نیز در تعامل با یکدیگر بر رابطه بین زوجین اثر گذاشته و ممکن است منجر به اختلاف بین زوجین شود. از جمله این عوامل میتوان به میزان تمایز یافتگی خود زوجین اشاره نمود. تمایز یافتگی خود، در سایه استقلال روانی و بلوغ عاطفی شکل می گیرد، امری دایمی و پویاست. به این معنا که افراد دایم در تلاش برای حفظ تمامیت روانی خویش هستند و داشتن این ویژگی سبب میشود که اضطراب اجتماعی کمتری را تجربه نمایند (Peleg & Zoabi, 2014) (Vancea, 2013). زوج های تمایز نیافته، قادر نیستند فردیت و استقلال خود را از خانواده پدری خود حفظ نمایند و احتمال بیشتری دارد تا ازدواج آنها به شکست بیانجامد. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند. آنها می توانند مسئولیت بیشتری را در انتخاب جهت گیری های خود در زندگی بپذیرند و در موقعیت های شدید عاطفی، کنترل خود را از دست ندهند و منطقی و مسئولانه تصمیم گیری نمایند (Homaei & DashtBozorgi, 2018).

هیل (Hill, 2013) نشان داد که نشان داد تمایز یافتگی به طور معنی داری با رضایت زناشویی ارتباط دارد و افراد متاهل با تمایز یافتگی بالا، رضایت زناشویی بالاتری را گزارش می نمودند. مفهوم تمایز یافتگی یکی از عوامل موثر در تحقیقات الگویابی جنسیتی و رضایت زناشویی است که مهمترین مفهوم نظریه سیستمی بوئن است (Gibson, 2006). تمایز یافتگی خود دارای دو بعد درون فردی و بین فردی است که در سطح درون فردی به معنای توانایی فرد در تمایز بین احساسات هیجانی از تفکر منطقی و در سطح بین فردی عبارت است از توانایی ایجاد تعادل بین داشتن استقلال و خود مختاری و حفظ روابط نزدیک با دیگران (Bowen, 1978 ; Mohsenian et al., 2007).

بوئن به منظور نمایش این موضوع یک مقیاس نظری برای ارزیابی سطح تفکیک هر فرد عرضه کرد. اشخاصی که در قطب پایین این مقیاس قرار دارند، کسانی هستند که عقل و عاطفه شان در

هم آمیخته و زندگی شان تحت اختیار احساسات اطرافیانشان است و به لحاظ عاطفی نیازمند دیگران هستند. افرادی که در قطب بالا جای دارند، به لحاظ عاطفی پخته هستند و می‌توانند به میل خودشان احساس یا رفتار داشته باشند (Goldenberg, Goldberg, 1934; Hassan, 1934; Shahi et al., 2013).

تمایز یافتگی از ۴ بخش تشکیل شده که این بخش‌ها عبارتند از:

جایگاه من: داشتن توصیف آشکار از خود و ارزشمند داشتن اعتقادات و باورهای شخصی و حفظ آن حتی در زمان مواجهه با فشار گروه.

بریدگی عاطفی: احساس تهدید شدن در روابط صمیمانه، ترس از صمیمیت و آسیب پذیری افراطی در روابط نزدیک که با فاصله‌گیری عاطفی از دیگران آشکار می‌شود.

واکنش هیجانی: حالتی است که در آن احساسات فرد بر عقل و منطقش غلبه کرده و پاسخ هیجانی به محرک‌های محیطی به صورت بی‌تفاوتی یا حساسیت افراطی بروز می‌کند.

آمیختگی با دیگران: درگیری هیجانی با افراد مهم زندگی و هویت یابی افراطی از آنها، افراد هم آمیخته و دارای امتزاج با دیگران به شدت به تایید و حمایت اطرافیان خود نیاز داشته و رفتارهایشان تحت تاثیر سیستم هیجانی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد. افراد با تمایز یافتگی بالا به هیجانان خود آگاهی داشته و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. این افراد توانایی رشد خود مستقل را در روابط صمیمی دارند و می‌توانند در روابط عمیق آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و بنابراین دچار هم جوشی و یا جدایی عاطفی نشوند. در حالی که افراد کمتر تمایز یافته یا به هم جوشی با دیگران متمایل می‌شوند و به این ترتیب با جدایی از افراد مهم زندگی از پا در آمده و یا به جدایی عاطفی تن داده و بنابراین هنگام مواجه شدن با صمیمیت عاطفی واکنشی اضطرابی نشان می‌دهند (Skoworn & Dendy, 2004). توانایی شکل دادن یک رابطه نیز بستگی به توانایی تمایز یافتگی فرد از دیگران دارد (Oatley & Keltner, 2006). تمایز یافتگی بدین شکل در نظر گرفته می‌شود که فرد را قادر می‌سازد تا موقعیت من (موضع شخصی) را در روابط مهم به کار برد. به این معنی که حسی از خود را در یک رابطه شدید یا در میان حوادث و رویدادهای نامعین حفظ کند و از این گذشته این مفهوم به توانایی فرد برای ایستادگی در مقابل تحت اضطراب قرار گرفتن خود توسط دیگران اشاره دارد (peleg & popko, 2005).

متأسفانه بسیاری از زوجین به دلیل امتزاج شدیدی که با خانواده مبدأ خود دارند این مجال و اجازه را به آنها می‌دهند که از همان روزهای اول زندگی مشترکشان در زندگی زناشویی آنها مداخله کنند. به طوری که هرچه امتزاج فرد با خانواده مبدأ بیشتر باشد، احتمال اضطراب و بی‌ثباتی بیشتر خواهد بود و تمایل خانواده برای یافتن راه حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله‌گیری و اختلال

در عملکرد نیز بیشتر خواهد شد (Goldberg and Goldberg, 2000; Rezaeian, Masumi and Hosseinian, 2017).

یکی از مفاهیم مرتبط با تمایز یافتگی و در نتیجه رضایت زناشویی مفهوم نقش جنسیتی است. الگوهای قالبی (کلیشه) جنسیتی اعتقاداتی درباره رفتارها و ویژگی های هر جنس است. به خصوص الگوهای قالبی جنسیتی به طور سلسله مراتبی، ساختارهای دانشی شامل گروه بندی (مثل مردان و زنان) و ویژگی های مرتبط با جنسیت مانند ظاهر و شغل را سازماندهی می کند (Manstead & Hewston, 2007).

هنگامی که الگوهای رفتاری زنانه یا مردانه مورد بررسی قرار می گیرند، تفاوت های ویژه ای در جنبه های شناختی زنان و مردان شناخته شده و تعیین می گردد که رفتارهای خاصی مرتبط با نقش های جنسی می باشد. الگوهای قالبی جنسیت در رفتار و فرایندهای ذهنی تاثیرات چشم گیری را بر جای می گذارد (Beygi, 2001).

نقش های جنسیتی سنتی، زنان و مردان را به نادیده گرفتن حقوق خود تشویق می کند. این نقش ها زنان را به سمت تعلق داشتن به دیگران و نادیده گرفتن هدف های شخصی خود سوق می دهند و نقش های جنسی مردانه سنتی، مردان را به سمت فردیت و نادیده گرفتن تعلق و نزدیکی سوق می دهد. به نظر می رسد علاوه بر مفهوم مردانگی و زنانگی مفهوم فراجنسیتی بودن (آندروژنی) که در نظریه ساندر و بام (Sandra and bam, 1981) مطرح شده بسیار ضروری و با اهمیت می باشد. یعنی افراد در حین برخورداری از صفات مردانه و زنانه می توانند دارای ویژگی های نقش جنسیتی هر دو جنس نیز باشند. بام (bam, 1983) بیان می دارد که زنان و مردان فرا جنسیتی به لحاظ نقش های اجتماعی در مقایسه با افرادی که دارای نقش های جنسیتی مردانه یا زنانه هستند، از سلامت روانی بهتر و رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند (Khamseh, 2007). از سویی دیگر نیز، تنها راه حل موجود برای از بین بردن تاثیر باورهای جنسیتی سنتی بر نظام خانواده و کمک به رشد و تحول خانواده در نظریه نظام های خانوادگی بوئن (bowen, 2006) تمرکز بر فردیت خود به جای هر چیز و به جای تلاش برای تغییر دادن دیگری است (Harvey, Weuzel & Sprecher, 2009). در تایید رابطه بین طرحواره های نقش جنسیتی و تمایز یافتگی می توان به پژوهش های پلگ، پایکو (peleg & popko, 2005) نام برد که نشان دادند که در خرده مقیاس جایگاه من تفاوت بین میانگین گروه های جنسیتی معنادار نمی باشد. خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی و گریز عاطفی در زنان دارای الگوی جنسیتی آندروژن نسبت به سایر گروه های جنسیتی بیشتر است و در گروه جنسیتی زنانه کمتر از سایر گروه ها دیده می شود. در آخر خرده مقیاس هم آمیختگی عاطفی با دیگران در زنان دارای الگوی جنسیتی آندروژن

نسبت به سایر گروه‌های جنسیتی بیشتر است. تنها تفاوت میانگین بین الگوی جنسیتی مردانه و زنانه در هم آمیختگی عاطفی با دیگران از نظر آماری معنادار نمی‌باشد.

پارسونز و همکارانش (Parsons, Nalbone & Killmer, 2007) در پژوهش خود نشان دادند که افراد با پایگاه هویت موفق و تمایز یافته رضایت زناشویی بیشتر و افراد با هویت دنباله رو رضایتمندی کمتری را گزارش کرده‌اند. عامل دیگری که با رضایتمندی زناشویی در ارتباط است، نقش‌های جنسیتی است. نقش‌های جنسیتی، مجموعه‌ای از باورهای مشترک فرهنگی درباره رفتار و صفات شخصیتی و سایر ویژگی‌های مردان و زنان است.

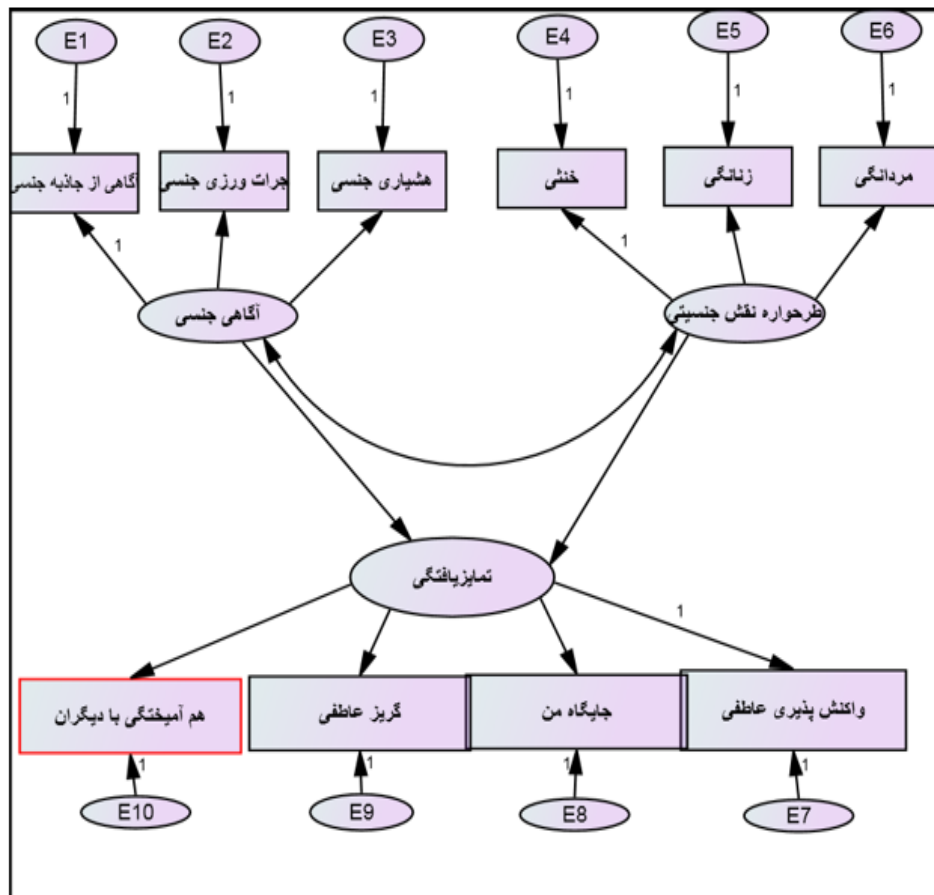
سویتینگ و همکاران (Sweeting, Bhaskar, Benzeval, Poham & Hant, 2013) در پژوهش خود نشان دادند، چنانچه زنان نقش‌هایی را ایفا کنند که با نگرش آنها نسبت به نقش‌های جنسی‌شان به ویژه در حوزه اشتغال و خانه‌داری در تعارض باشد، تنیدگی بیشتری در مقایسه با زنانی که چنین تعارضی ندارند را تجربه می‌کنند. همانطور که ملاحظه می‌شوند، گذر زمان و تحولات فرهنگی می‌تواند در برخی از انتظارات و نقش‌های جنسیتی زنان و مردان که بخشی از هویت آنان را تشکیل می‌دهد، در پردازش اطلاعات مرتبط با خود و دیگران موثر بوده و در نتیجه در رضایتمندی و عدم رضایتمندی زوجین نقش داشته باشد. نتایج پژوهش اشتراجه و همکاران (EShtaraiyeh, et al, 2013) نشان داد که میزان تمایز یافتگی و ابعاد گوناگون آن در بین الگوهای جنسیتی زنانه، مردانه و آندروژن (فراجنسیتی) متفاوت است. بدین معنا که میزان تمایز یافتگی زنان دارای الگوی جنسیتی آندروژن نسبت به سایر گروه‌های جنسیتی بیشتر است و میزان آن در الگوی جنسیتی زنانه کمتر از سایر گروه‌های جنسیتی به چشم می‌خورد.

از جمله متغیرهای دیگر که به نظر می‌رسد روی تمایز یافتگی تاثیر گذار باشد، آگاهی جنسی است. آگاهی و دانش جنسی در موارد مهمی چون ارتباطات و تعاملات زندگی زوجین تاثیرگذار است. اگر زوجین در زندگی خود شناخت بیشتری نسبت به این بعد مهم رابطه داشته باشند، قادر خواهند بود که شیوه‌های ارتباطی خود را تغییر داده و آن را بهبود بخشند و در هنگام بروز تعارضات و مشکلات زناشویی یک راه حل سازنده را در پیش گیرند (Naderi, 2008). از آنجایی که نگرش و دانش جنسی به عنوان یک مولفه اساسی روانشناختی مشکلات جنسی شناسایی شده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که دانش جنسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دانش و نگرش جنسی شامل سه عنصر مهم شناختی، عاطفی و آمادگی برای عمل یا انجام رفتار جنسی است. جزء شناختی نگرش، شامل اعتقادات و اطلاعات و باورهای فرد درباره موضوع نگرش است. البته مهمترین این شناخت‌ها آنهایی هستند که با نوعی ارزیابی همراه باشند. جزء اساسی نگرش شامل احساساتی است که موضوع نگرش را در شخص برمی‌انگیزد. از این رو می‌توان به این نتیجه رسید

که بعد احساس نگرش و دانش جنسی بر رفتار جنسی فرد نقش انگیزشی داشته و اهمیت بعد احساسی را در نگرش جنسی مورد تاکید قرار می دهد و در نهایت جزء آمادگی برای عمل یا رفتار جنسی بدین منظور است که نگرش و نوع نگاه به مسائل جنسی، شخص را آماده می کند تا در برخورد با موضوع نگرش رفتار خاصی را از خود بروز دهد (Zabihi Rig Cheshmeh, Mirzaeian, Hasanzadeh and Shahidi, 2011).

در تایید رابطه بین آگاهی جنسی و تمایز یافتگی می توان به پژوهش دهقان خلیلی و همکاران (۲۰۱۷) اشاره کرد. این پژوهش نشان داد که بین آگاهی فراسناختی و ابعاد آن با آگاهی جنسی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و نیز از میان ابعاد تمایز یافتگی، تنها بین بعد موضع من با آگاهی جنسی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان ابعاد آگاهی فراسناختی، دانش شناخت و از میان ابعاد تمایز یافتگی، جایگاه من به طور معناداری قادر به آگاهی جنسی بودند.

با توجه به مطالب ذکر گردیده، باید بیان داشت که پژوهش های انجام شده درباره موضوع نقش جنسیتی و آگاهی جنسی و اثر بالقوه آن تمایز یافتگی بسیار محدود است و همچنین در اندک ادبیات موجود در این حوزه چارچوب نظری جامع و کاملی که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد. بنابراین محقق در این مدل قصد دارد که به آزمون تمایز یافتگی و متغیرهای مرتبط با آن در افراد عادی جامعه در شهر شیراز پرداخته و سپس بر اساس نتایج به دست آمده مدلی را برای تمایز یافتگی بر اساس طرحواره های نقش جنسیتی و آگاهی جنسی ارائه دهد. شکل ۱ الگوی پیشنهادی پژوهش را نشان می دهد.



شکل ۱- مدل مفهومی تاثیر آگاهی جنسی و طرحواره نقش جنسیتی بر تمایز یافتگی خود

روش، جامعه و نمونه‌ی آماری پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد و از آنجا که نتایج این تحقیق می‌تواند به ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء رضایت از زندگی زناشویی در زوجین عادی شهر شیراز منجر شود، از نوع تحقیقات کاربردی و از آنجا که به بررسی مدل آگاهی جنسی، تمایز یافتگی و طرحواره‌های نقش جنسیتی پرداخته از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق متاهلین عادی شهر شیراز می باشد. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی در دسترس و بر اساس تعداد مولفه های موجود در مدل، تعداد ۳۱۰ نفر از زوجین عادی که شامل ۱۵۵ زن و ۱۵۵ مرد متاهل که طول مدت ازدواج آنها بین ۵ - ۱۲ سال متغیر بوده و سن آنها زیر ۵۰ سال باشد، انتخاب گردید و هر ۳ پرسشنامه در اختیار آنها قرار گرفت.

ابزار پژوهش

مقیاس تمایز یافتگی خود

مقیاس تمایز یافتگی خود (*DSI*) از ۴۶ گویه و ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی (۱۱ سوال)، جایگاه من (۱۱ سوال)، گریز عاطفی (۱۲ سوال) و هم آمیختگی با دیگران (۱۲ سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می رود. شیوه نمره گذاری این مقیاس به صورت طیف لیکرت ۶ نقطه ای (اصلا در مورد من صحیح نیست = ۱ تا کاملا در مورد من صحیح است = ۶) می باشد.

ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورن و فریدلندر برای پرسشنامه تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ است. همین ضریب آلفا در پژوهش پلگ و پوپکو (Plag and Popko, 2004) انجام گرفت، ۰/۸۶ است (Sanaei et al, 2008).

به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه تمایز یافتگی خود از ۱۰ نفر از صاحب نظران در این زمینه نظرخواهی شد که روایی محتوایی این ابزار را مورد تایید قرار دادند.

نتایج بررسی مدل اندازه گیری تمایز یافتگی خود پس از اصلاح نشان داد که مقدار کای اسکوئر در مدل تک عاملی مرتبه اول معنادار نیست و مقدار کای اسکوئر نسبی ۰/۰۸ است که نشان می دهد مدل وضعیت کاملا مناسبی دارد. از سوی دیگر مقدار شاخص های تطبیقی *GFI* و *CFI* در حد بسیار مطلوب (بالای ۰/۹) است که نشان می دهد داده ها به مدل برازش بسیار خوبی دارند و مقدار شاخص های مقتصد *PNFI* و *PCFI* زیر ۰/۵ است و این نشان می دهد که اقتصاد مدل به خوبی حفظ نشده یا پارامترها به شکل مطلوب و بهینه به مدل اضافه شده اند. مقدار *RMSEA* نیز ۰/۰۰ است که نشان می دهد مدل اندازه گیری قابل قبول نی باشد. پس مدل عاملی پرسشنامه با کمترین خطا تایید می گردد.

مقیاس طر حواره نقش جنسیتی

بم (bem, 1974) آزمونی تهیه کرد که دو جنسیتی بودن را اندازه گیری می کند. این مقیاس دارای ۳۰ سوال بوده و هدف آن تعیین شخصیت جنسی افراد (مردانگی، زنانگی، خنثی) می باشد.

شیوه نمره گذاری این مقیاس به صورت طیف لیکرت پنج گزینه ای (۱= بسیار کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= بسیار زیاد) می باشد.

بم (bem, 1981) جهت محاسبه روایی فرم کوتاه مقیاس نقش جنسی، همبستگی آن را با فرم بلند بررسی کرده و ضریب همبستگی بین این دو را ۰/۹۹ محاسبه نموده است.

در پژوهش علی اکبری دهکردی و همکاران (۲۰۰۷) برای پایداری آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار این ضریب برای این مقیاس ۰/۸۰ محاسبه نموده است که نشانگر پایداری خوب این ابزار است.

ب) مقیاس آگاهی جنسی

مقیاس آگاهی یک ابزار عینی و خودگزارشی است که توسط اسنل، فیشر و میلر (Snell, Fisher and Miller, 1991) به منظور ارزیابی چهار تمایل شخصیتی مرتبط با آگاهی جنسی و جرات ورزی جنسی ساخته شد. این آزمون دارای ۳۶ عبارت است که آزمودنی باید در یک طیف ۵ درجه ای لیکرت میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات مشخص کند.

به منظور سنجش ویژگی های روانسنجی مقیاس آگاهی جنسی این مقیاس بر روی دو نمونه مستقل (نمونه اول شامل ۲۵۶ زن، ۱۱۷ مرد و ۴ نفر با جنسیت نامشخص و نمونه دوم شامل ۲۶۵ زن، ۱۱۷ مرد، ۴ نفر با جنسیت نامشخص) که از دانشجویان رشته روان شناسی دانشگاه میدوسترن بودند، اجرا شد. میانگین سنی گروه اول ۲۴/۱ و میانگین سنی گروه دوم ۲۴/۰۷ بود. در گروه اول ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس هوشیاری جنسی برای مردان=۰/۸۳ و برای زنان =۰/۸۶، زیرمقیاس نظارت جنسی برای مردان=۰/۸۰ و برای زنان=۰/۸۲، زیرمقیاس آگاهی از جاذبه جنسی برای مردان=۰/۸۹ و برای زنان=۰/۹۲ و برای جرات ورزی جنسی مردان=۰/۸۳ و زنان=۰/۸۱ گزارش شد. در گروه دوم ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس هوشیاری جنسی برای مردان=۰/۸۵ و برای زنان=۰/۸۸، زیرمقیاس نظارت جنسی برای مردان=۰/۸۱ و برای زنان=۰/۸۲، زیرمقیاس آگاهی از جاذبه جنسی برای مردان=۰/۹۲ و برای زنان =۰/۹۲ و برای جرات ورزی جنسی مردان=۰/۸۰ و زنان=۰/۸۲ گزارش شد. نتایج بررسی مدل اندازه گیری آگاهی جنسی پس از اصلاح نشان می دهد که مقدار کای اسکوئر در مدل تک عاملی مرتبه اول معنادار است. با این وجود، مقدار کای اسکوئر نسبی ۲۱/۳۳ است که نشان می دهد مدل وضعیت مناسبی دارد. از سوی دیگر مقدار شاخص های تطبیقی *GFI* و *CFI* در حد بسیار مطلوب (بالای ۰/۹) است که نشان می دهد که داده ها به مدل برازش بسیار خوبی دارند و مقدار شاخص های مقتصد *PNFI* و *PCFI* زیر ۰/۵ است و این نشان می دهد که اقتصاد مدل به خوبی حفظ نشده است یا پارامترها به شکل مطلوب و بهینه به مدل اضافه شده اند. مقدار *RMSEA* نیز ۰/۱۲ است که نشان می دهد مدل اندازه گیری قابل

قبول نمی باشد. با توجه به اینکه عامل نظارت جنسی بار عاملی و وزن رگرسیونی بسیار ضعیفی روی آگاهی جنسی دارد این عامل از مدل حذف می کند.

یافته ها

بر اساس خروجی *Amos*، در جدول ۲ شاخص های مطلق، تطبیقی و مقتصد مدل نشان داده شده اند. شاخص ها نشان می دهند که مقدار کای اسکوئر برای این مدل معنادار است ($p=0/000$). اما مقدار کای اسکوئر نسبی (۲/۳۵) حاکی از آن است که این مدل قابل قبول است. مقادیر بالای ۰/۹۰ برای شاخص های تطبیقی به معنای برازش داده ها با مدل اصلی است. مقدار شاخص های مقتصد (۰/۶۳ و ۰/۶۸) نیز نشان می دهد که اقتصاد مدل رعایت شده و مقدار ۰/۰۷۲ برای *RMSEA* به معنای برازش داده ها با مدل و تایید نهایی آن است.

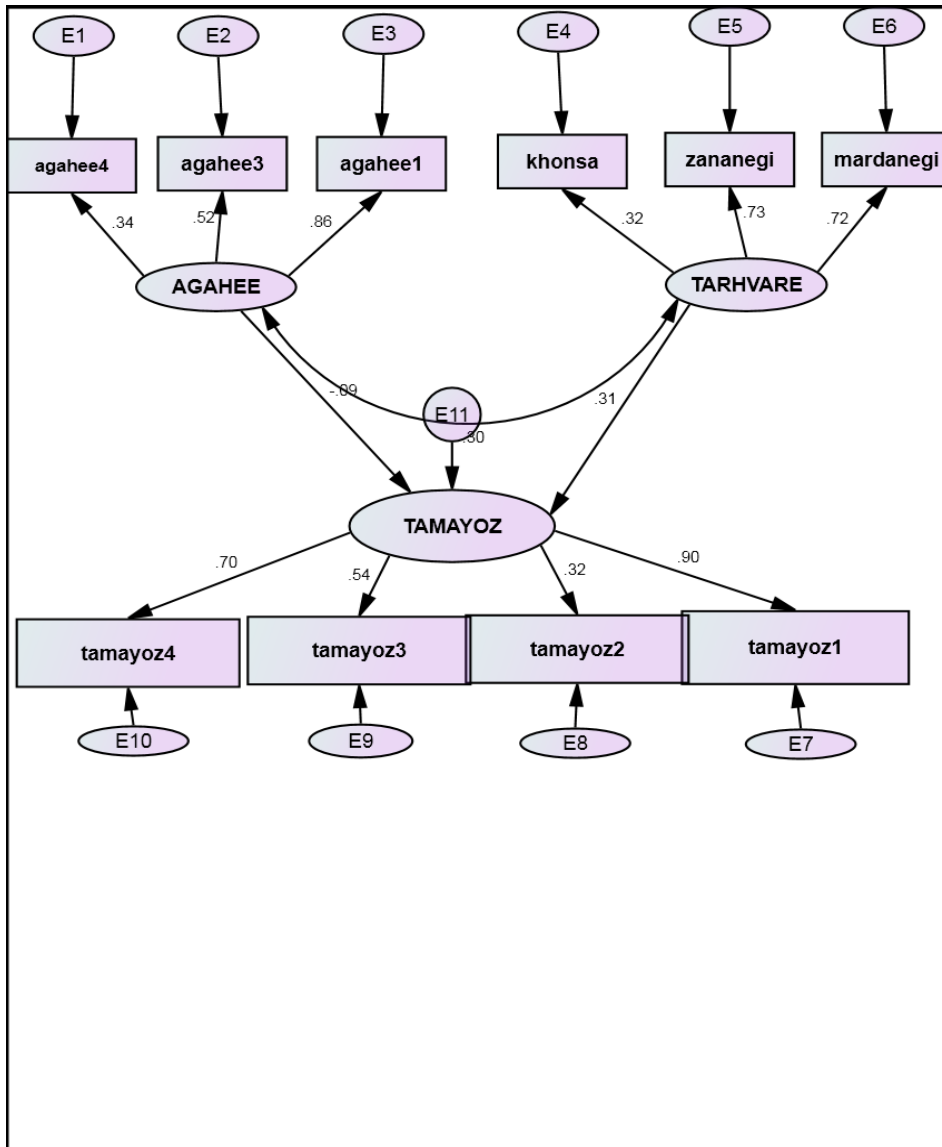
جدول ۲- بررسی شاخص های کلی برازش برای مدل تاثیر طرحواره های نقش جنسیتی و آگاهی جنسی بر تمایز یافتگی

RMSEA	PCFI	PNFI	TLI	CFI	CMIN/DF	P	df	CMIN
۰/۰۷	۰/۶۸	۰/۶۲	۰/۸۸	۰/۸۷	۲/۳۵	۰/۰۰۰	۳۲	۱۶۴/۳۴

جدول ۳- خلاصه پارامترهای برآورد شده برای تاثیر طرحواره های نقش جنسیتی و آگاهی جنسی بر تمایز یافتگی

سطح معناداری	مقدار بحرانی	برآورد استاندارد	پارامتر
۰/۰۱۲	۲/۴۳	۰/۳۱	طرحواره های نقش جنسیتی ← تمایز یافتگی
۰/۰۱۵	۲/۵	-۰/۰۹	آگاهی جنسی ← تمایز یافتگی

در جدول ۳ ضریب تاثیر طرحواره های نقش جنسیتی بر تمایز یافتگی ۰/۳۱ است که می توان گفت عوامل هیجانی به تنهایی، ۹ درصد از واریانس تمایز یافتگی را تبیین می کنند. ضریب تاثیر عوامل شناختی بر تمایز یافتگی ۰/۰۹- است که می توان گفت عوامل شناختی به تنهایی ۱ درصد از واریانس تمایز یافتگی را تبیین می کنند.



شکل ۲- مدل اندازه‌گیری شده تأثیر آگاهی جنسی و طرحواره نقش جنسیتی بر تمایز یافتگی خود

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که ضریب تاثیر طرحواره های نقش جنسیتی و آگاهی جنسی بر تمایز یافتگی معنادار است. بدین معنی که طرحواره های نقش جنسیتی بر تمایز یافتگی اثر مستقیم و معناداری و آگاهی جنسی بر تمایز یافتگی اثر معکوس و معنادار دارد. در پژوهشی همسو سویتینگ و همکاران (Sweeting, Bhaskar, Benzeval, Poham & Hant, 2013) نشان دادند، چنانچه زنان نقش هایی را ایفا کنند که با نگرش آنها نسبت به نقش های جنسی شان در تعارض باشد تنیدگی بیشتری را تجربه می کنند. اشترایه و همکاران (EShtaraiyeh, et al, 2013) نشان دادند که میزان تمایز یافتگی زنان دارای الگوی جنسیتی آندروژن نسبت به سایر گروه های جنسیتی بیشتر است و میزان آن در الگوی جنسیتی زنانه کمتر از سایر گروه های جنسیتی به چشم می خورد. در پژوهشی ناهمسو دهقان خلیلی و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که بین ابعاد تمایز یافتگی با آگاهی جنسی رابطه معنادار وجود دارد و جایگاه من به طور معناداری قادر به آگاهی جنسی بودند. در تبیین این یافته می توان گفت که طرحواره های نقش جنسیتی و آگاهی جنسی از دو طریق بر تمایز یافتگی تاثیر می گذارند. به گونه ای که هر کدام از مولفه های تمایز یافتگی می توان این تاثیر را مشاهده کرد. به گونه ای که در مولفه واکنش عاطفی یعنی حالتی که در آن احساسات فرد بر عقل و منطقش غلبه دارد. همچنین بیان کننده تمایل به پاسخگویی محرک های محیطی بر اساس پاسخ های هیجانی خود کار و طغیان های هیجانی می باشد. در اینجا طرحواره های جنسی به روشنی فرد را از جنس دیگر متمایز می کند. بنابراین تاثیر آن مستقیم است. اما آگاهی جنسی می تواند این جداسازی را کاهش دهد و تاثیر آن معکوس است. به عبارت دیگر در اولین سطح متمایزسازی طرحواره های جنسی به تمایز یافتگی کمک می کنند و آگاهی جنسی آن را کاهش می دهد. مولفه دوم در تمایز یافتگی جدایی عاطفی است. بر طبق نظر بوئن (Bowen, 1978) جدایی عاطفی با روش افراد در جدایی خودشان از گذشته به منظور شروع زندگی در نسل حاضر سر و کار دارد. کودکانی که در فرایند فرافکنی خانواده قرار می گیرند، به طور معمول در زمان بزرگسالی یا حتی قبل از آن از راهبرد های مختلفی برای فرار از بند پیوندهای عاطفی حل نشده خانواده استفاده می کنند که این راهبردها می تواند فاصله گرفتن فیزیکی در خانواده و یا ایجاد موانع روانی مانند صحبت نکردن با یکی از اعضای خانواده باشد. (Skoworn & Dendy, 2004).

بنابراین در این مرحله طرحواره های جنسیتی می تواند به تمایز یافتگی از طریق تعریف فرد به عنوان یک مرد یا زن کمک کنند. به گونه ای که در این تعریف فرد خود را زن یا مرد بالغی تعریف می کند که نیاز به همسر دارد. در اینجا نقش جنسیتی می تواند فرد را برای جدا شدن از خانواده

اصلی ترغیب کند. اما آگاهی جنسی می‌تواند در این مرحله نوعی تعریف کلی از نقش زناشویی ارائه دهد که اهمیت جنسیت کاهش یابد. به عبارت دیگر با افزایش آگاهی جنسی، احتمالاً تمایز یافتگی جنسی نیز کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی دیگر زن و یا مرد چندان تعریف کاملی نیست و هویت انسانی مهم تر می‌شود. سرانجام اینکه فرد می‌تواند تعریفی از خود ارائه دهد که در آن طرحواره‌های نقش جنسیتی بر تفاوت‌ها و آگاهی جنسی بر شباهت‌ها تأکید داشته باشد. بنابراین آگاهی جنسی تمایز یافتگی را کاهش و طرحواره‌های نقش جنسی تمایز یافتگی را افزایش می‌دهد.

References

- Bem, S. L. (1975). Sex-role adaptibility: one consequence of psychological androgyny. *Journal of personality and social psychology*, 31, 634-643.
- Bem, S. L. (1981). *A manual for the Bem Sex Role Inventory*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologist Press Spadin, 1989
- Bem, S. L., (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review*, 88, 354-364.
- Bowen, M. (1978). *family therapy in clinical practice*. New York, USA: J. Aronson.
- Bowen, M. (1978). *Family Therapy in clinical practice*. New York: Aronson
- Dehqan Khalili, Samira; Honarparvaran, Nazanin. (1396). Metacognitive awareness and differentiation with women's self-esteem, *women and family studies*, 9 (35), 35-47
- Eshteraieyeh, Fatemeh, Mahdavian, Alireza, Khodabakhshi, Koolai (2013). Comparison of gender role and self-efficacy in married female students. *Sociology of Women (Women and Society)*, 4 (4), 85-94.
- Goldenberg, Goldberg (2013). *Family Therapy* (Hamid Reza Hassan Shahi and Siamak Naghshhandi, Elham Arjomand). Tehran: Ravan.
- Goldenberg, & Goldenberg H. (2004). (5th Ed). *family Therapy*, peacock publishers.
- Harvey, D., Weuzel, A., & Sprecher, S. (2005). *The hand book of sexuality in close Relationships*. New jersi
- Hill A. (2008). *Predictors of relationship satisfaction: the link between cognitive flexibility, compassionate love and level of differentiation*. Los Angeles, California: Alliant International University; 2008.
- Homei, Rezvan, Dashtbozorgi, zahra (2018). Correlation between self-differentiation and optimism with responsiveness and marital satisfaction in nursing students. *Quarterly Journal of Health Promotion Management*, 7 (2), 58-65
- Khamse A. (2007). The study of the relationship between Depression and gender role stereotypes in married students. *Journal of Family and Research*. 1(3) [Persian]
- Manstead, A.R., & Hewston, M., & Fisk, S. T., & Hogg, M. A., & Reies, H.T., and Semin, G. (2004). *The black well Encyclopedia of Social psychology*. Black well publisher Ltd .

- Mohsenian, Mohammad,. Keremloo, Samira,. Ganjavi, Anahita (2007). The Relationship between Differentiation and Emotional Intelligence in Divorce Applicants, *Family Research*, 3 (12), 828-836
- Naderi, Farah (2007). Relationship Between Knowledge and Sexuality, Love and Marital Satisfaction with Spouse Abuse in Married Employees of Ahvaz Public Offices, Master's thesis, Islamic Azad University of Ahvaz.
- Oatley. K. Keltner. D. M. Jenkins. J. (2006) . Understanding emotions (2nd Eds). Blackwell Publishing. P.211
- Parsons, R. N., Nalbone, D. P. & Killmer, J. M. (2007). Identity development, differentiation, personal authority, and degree of religiosity as predictors of interfaith marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*. 35, 343-361.
- Peleg O, Zoabi M.(2014). Social anxiety and differentiation of self: A comparison of Jewish and Arab college students. *Pers Individ Dif*. 68:221-8 .
- peleg- popko, ova. (2005). The relationship between Different iation and social anxiety. *The American journal of family family therapy*, 33, 167-183
- Rezaeian, Hamid Reza; Masoumi, Samira; Hosseinian, Simin. (2017). Comparison and comparison of their differentiation, patterns of communication and sexual satisfaction in divorced and unmarried couples. *Applied Consulting*, 7 (2), 17-32.
- Skoworn, E.A..& Dendy, A. k .(2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlated of effortful control. *contemporary family Therapy* ,26(3), 337- 357.
- Sweeting, H., Bhaskar, A., Benzeval, M., Poham, F. & Hunt, K. (2013). Changing gender roles and attitudes and their implications for well-being around the new millennium. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol*. DOI 10.1007
- Vancea F. The Increase of the Differentiation Level of the Self through Unifying Personal Development. *Proc Soc Behav Sci*. 2013;78:180-4. DOI: 10.1016/j.sbspro.2013.04.275
- Zabihi Rig Cheshmeh; Mirzaeean, Bahram; Hassanzadeh, Ramezan; Shahidi, Maryam (2011). Comparison of sexual attitude in fertile and infertile couples, *Mazandaran University of Medical Sciences Journal*, 21 (1), 274-283